# حیدره، قربانگاه جدید اراضی و عرصه‌های سبز

**سپهرغرب، گروه شهر - عباس سریشی: تعداد زیادی از ویلاها، خانه‌باغ‌ها و یا دیوارکشی‌هایی که در باغات شهر همدان احداث و بنا می‌شوند، غیر مجاز هستند.**

گرچه طبق قانون هرگونه ساختمان‌سازی اعم از مسکونی و ویلا، کارگاه و مرکز تولید و یا دام‌پروری در باغ‌ها، مزارع و عرصه‌های طبیعی ممنوع است، اما به اعتقاد صاحب‌نظران و کارشناسان امروزه کثرت این‌گونه ساخت‌وسازها آن‌قدر بالا رفته که نه‌فقط دیگر امکان تکذیب و یا نادیده‌انگاری آن‌ها وجود ندارد، بلکه باید به هر شکل ممکن از در برخورد و مهار لجام‌گسیخته‌اش برآمد.

البته این رشد قارچ‌گونه هم به‌گونه‌ای است که امکان ندارد از دید مسئولان نهادهای نظارتی پنهان مانده و یا امکان برخورد با آن‌ها در همان ابتدای ساخت وجود نداشته باشد؛ بنابراین همین روند باعث شده تا چند سؤال اساسی ذهن مردم را به خود درگیر کند، چرا با وجود کلی قوانین محدود و ممنوع کننده پس چگونه این ساختمان‌ها ساخته شده و بعد از سال‌ها حکم تخریب آن‌ها صادر می‌شود و اینکه آیا نمی‌شود تا در همان هنگام ساخت متولیان امر جلوی آن‌ها را بگیرند؟

این تخلفات درحالی آشکارا به وقوع می‌پیوندد که ظاهراً گشت‌های مراقبتی به‌شدت درحال انجام وظیفه هستند و از ابتدای امر که مصالح ساختمانی در محلی تخلیه می‌شود، مأموران در محل حاضر شده و با علم بر اینکه مصالح مذکور برای ساخت‌وساز استفاده خواهند شد، مدارک و مجوزهای لازم را از مالک مطالبه می‌کنند و درصورت بروز هرگونه تخلف، اجازه ساخت‌وساز را نخواهند داد.

اما با وجود همه نظارت‌ها و برخوردهایی که از سوی مسئولان برای ممانعت از تغییر کاربری اراضی و ساخت خانه‌باغ و ویلاهای غیر مجاز در اراضی کشاورزی و باغات اطراف شهرها اعمال می‌شود، این ساخت‌وسازها همچنان ادامه داشته و روز و شبی نیست که ماشین‌های مملوء از مصالح ساختمانی در آشکار و نهان راه باغات و عرصه‌ها را در پیش نگیرند.

کارشناسان و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که موضوعاتی از قبیل فقدان نظارت و برخورد کارآمد، عدم بازدارندگی مجازات، وجود رانت‌های دولتی، کم بودن جریمه‌های کمیسیون ماده ۱۰۰، ضعف بخشداری‌ها، احیاناً فساد اداری و یا حتی چراغ سبز دهیاری‌ها و غیره را می‌توان از عمده دلایل افزایش ساخت‌وسازهای غیر مجاز دانست.

البته برخی صاحب‌نظران نیز بر این موضوع اذعان دارند که در این خصوص (برخورد با ساخت‌وسازهای غیر مجاز) ما خلأ قانونی نداریم و قانون هست، اما اجرا نمی‌شود؛ باید قبول کرد که ما در اجرای قانون مشکل داریم، گو اینکه باید بپذیریم تخریب این ساختمان‌ها نیز اساساً کمکی به بازگشت زمین به اراضی کشاورزی نمی‌کند و می‌طلبد که از همان ابتدا جلوی آن‌ها را گرفت. درواقع تجربه به ما نشان داده که تخریب نه‌تنها سودی نداشته، بلکه ضرر هم دارد؛ این تخریب به ایجاد زمین کشاورزی و یا باغات کمک نمی‌کند، بلکه صدمه بیشتری به زمین‌ها وارد کرده و چهره منطقه را نازیبا می‌کند، مسلم است این ساختمانی که تخریب شده، دیگر به زمین کشاورزی تبدیل نمی‌شود.

### حیدره، قربانگاه جدید باغات همدان

کم نیستند کسانی که معتقدند همدان ازجمله شهرهای خوش‌آب‌وهوای ایران است که از طبیعت زیبایی در پیرامون خود برخوردار بوده و دراین‌بین منطقه حیدره ضمن داشتن جایگاه خاص، یکی از آن دست مناطق مصفایی محسوب می‌شود که علاوه بر برخورداری از باغ‌ها و مزارع زیبا، چشم‌انداز بسیار جذابی را هم به شهر همدان دارد.

قطعاً به‌خاطر وجود همین جاذبه و طبیعت بسیار زیبای حیدره است که نه‌فقط در روزهای تعطیل بسیار مورد توجه همدانی‌ها و گردشگران غیر بومی قرار می‌گیرد، بلکه در سال‌های اخیر نیز شاهد ساخت‌وسازهای فراوانی از منازل مسکونی و ویلا گرفته تا رستوران، چایخانه و غیره در آن هستیم؛ البته با وجود این توجه و توسعه، اما هنوز جاده منتهی به حیدره دارای عرض کم و فاقد شانه خاکی مناسب است که لاجرم سالانه هم شاهد چندین مورد سوانح جاده‌ای و مجروح شدن عابر و موتورسواران در آن هستیم. اما وجود همین موضوع هم باعث نشده تا دست‌اندازان به اراضی، باغات و متصرفان عرصه‌ها از خیر این منطقه گذشته و طبیعت آن را به حال خود رها کنند.

شاهد این مدعا را نیز می‌توان در رشد قارچ‌گونه انواع و اقسام ویلا، خانه‌های مسکونی، سفره‌خانه‌ها و یا خانه‌باغ‌های کوچک و بزرگ دید که دقیقاً در مقابل چشم همه و ظرف چندماه از زمین رشد می‌کنند و ظاهراً نیز کسی توجهی به این موضوع ندارد. هرچند مسئولان و متولیان به‌کرات در صحبت‌های خود اعلام کرده‌اند که علاوه بر حضور گشت‌های دائمی در این منطقه درصورت اعلام گزارش‌های مردمی درخصوص هرگونه ساخت‌وساز سریعاً مراتب را مورد بررسی قرار داده و مانع آن می‌شوند، اما واقع روند ساخت‌وسازهای آشکار و بی‌مهابا در این منطقه گواه چیز دیگری است و خبر از یک تجارت پُرسود برای دلالان زمین و مصالح‌فروشان از یک‌سو و نیز افزایش طمع مالکان به تغییر کاربری و فروش زمین در سوی دیگر دارد.

البته برخی از این‌گونه ساخت‌وسازها نیز جنبه دولتی داشته و یا برخی مالکان با گرفتن مجوزهای لازم درحال ساخت‌وساز هستند، اما وقتی کلنگ تخریب و ساخت‌وساز (ولو قانونی) در یک منطقه به زمین می‌خورد، دیگر هیچ تضمینی وجود ندارد که در پی آن فعالیت‌های غیر قانونی نیز رونق نگرفته و اصطلاحاً مثل مرض واگیردار به باغات دیگر سرایت نکند؛ یعنی تقریباً همان چیزی که این روزها در حیدره با شدت تمام و درست زیر چشم متولیان و مسئولان درحال انجام و رخ‌نمایی است.

برخی مسئولان استان نیز در این خصوص صراحتاً عنوان می‌دارند که تعداد زیادی از ویلاها، خانه‌باغ‌ها و یا دیوارکشی‌هایی که در باغات شهر همدان احداث و بنا می‌شوند، غیر مجاز هستند و پایانی جزء تخریب را نخواهند داشت؛ ضمن اینکه نباید غافل بود که جدا از سهم مالکان و فعالان عرصه ساخت‌وساز، این سیاست‌های غلط گذشتگان بوده که نقش بسیار پُررنگی را در نابودی و تخریب باغات همدان داشته است.

دقیقاً در نقطه مقابل همه فعالیت‌های مجاز عمرانی و توسعه‌محور دولتی و یا خصوصی، بسیاری از دلالان و مالکان نیز با هر دست‌مایه و لطایف‌الحیلی درحال گرفتن ماهی از آب گل‌آلود هستند و برای نیل به این مقصود از هیچ عملی فروگذار نمی‌کنند؛ از دیوارکشی و تعبیه فنس و تور تا نصب کانکس‌ها و خانه‌های پیش‌ساخته و حتی دوربین‌های نظارتی که این روند و روال علاوه بر ایجاد جلب توجه برای دیگر بازیگران عرصه زمین و ساختمان، ناخودآگاه نیز باعث افزایش نجومی و غیر قابل باور قیمت‌های زمین، باغ و ساختمان در این منطقه شده و خواهد شد.

بلاتکلیفی مناطق حریم شهری یکی از مهم‌ترین علل نابودی فضای سبز همدان است، زیرا باغاتی که در حریم شهر قرار دارند به‌علت قوانین دست‌وپا گیر در بلاتکلیفی به‌سر می‌برند و افراد سودجو اقدام به ساخت‌وسازهای غیر مجاز در آن‌ها می‌کنند.

### سازه پیدا و سازنده ناپیدا

این‌روزها باغ‌شهر همدان هم که چندی پیش به‌عنوان شهر سبز از سوی سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور معرفی شد، مثل برخی دیگر از شهرهای کشور حال‌وروز خوشی ندارد و این ساختمان‌ها و دیوارهای سنگی و سیمانی هستند که طبیعت زیبای آن را هرروز بیش از گذشته به سوی فرسایش و تخریب سوق می‌دهند.

دست‌ساخته‌هایی که اگرچه هیچ‌کس زیر بار مسئولیت ساخت آن‌ها نمی‌رود و حتی برخی منکر وجود و یا رشد قارچ‌گونه آن‌ها هستند، اما عجب از دستان ناپیدایی که نه‌فقط یک‌شبه اقدام به ساخت ده‌ها متر دیوار، اتاقک، فونداسیون و یا حمل و تخلیه مصالح ساختمانی می‌کنند، بلکه به‌راحتی و بدون هیچ‌گونه دغدغه خاطر حاضرند تا واسطه خرید و حمل مصالح نیز برای دیگر متقاضیان ساخت بشوند.

برخی ساکنان ضمن اشاره به اینکه ظاهراً ساخت‌وساز در اینجا ممنوع شده، اذعان کردند فقط کافی است تا یک یا دو آشنا پیدا کنید تا شبانه برایتان کامیون سنگ لاشه، بلوک سیمانی، آجر، ماسه و سیمان و غیره بیاورند و طی چند شبانه‌روز بعدی نیز کار را به نتیجه برسانید.

اینکه می‌گویند کشیدن دیوار در بین باغ‌ها ممنوع است و یا هیچ‌کس حق ندارد در باغ‌های زیر مساحت تعیین‌شده ساختمان بسازد، فقط حرف روی کاغذ است؛ وگرنه پس این‌همه ویلا، دیوار، خانه‌باغ، کانکس و غیره از کجا آمدند؟ از آسمان که نباریده؟ احتمالاً یک دهیار و یا مسئول دیگری چراغ سبز نشان داده و از خطای وی چشم‌پوشی کرده و یا شفاهی به او گفته برو بساز و خلاصه الآن وضعیت به این حالت درآمده، وگرنه خود صاحب زمین و مالک می‌داند که تغییر کاربری و ساخت‌وساز به این راحتی نیست.

از ابتدا نباید این‌ها ساخته می‌شدند، اما حالا هم که ساخته شدند، خراب کردنشان مصیبت دیگری است که بد را بدتر از قبل می‌کند؛ یعنی اصطلاحاً می‌آیند آبروی طبیعت را درست کنند، با تخریب و باقی‌مانده پسماندهای ساختمانی می‌زنند چشمش را نیز کور می‌کنند. گو اینکه داستان دیگری هم در این وسط وجود دارد و آن بحث جریمه است، یعنی همین ساخت‌وسازها خودش منتج به صدور جریمه و کسب درآمد برای شهرداری و فلان نهاد و ارگان و سازمان می‌شود که در این صورت نیز همه درنهایت راضی می‌شوند و کار به‌خوبی و خوشی فیصله پیدا می‌کند.

پایان سخن اینکه پدیده افزایش تغییر کاربری‌ها و ساخت‌وسازهای غیر قانونی و بدون مجوز در باغات همدان برآیند علل مختلفی است که طی چند سال گذشته به‌صورت هم‌افزا رخ داده و بی‌شک تداوم این موضوع نه‌فقط امنیت زیستی و اقلیمی عرصه‌های استان و شهر را دچار مشکلات اساسی خواهد کرد، بلکه به‌نوعی نیز توانایی و صلاحیت مدیران را در نظارت و کنترل شرایط زیر سؤال خواهد برد.

درواقع این تصور وجود دارد که روند مذکور تغییر کاربری‌ها، ساخت‌وسازهای غیر مجاز، زمین‌خواری و تصرف اراضی به‌عنوان یکی از چند جرم بزرگ قرار گرفته در رأس مفاسد اقتصادی کشور بیشتر از آنکه نتیجه طمع‌ورزی مالکان و دلالان باشد، متأثر از وجود خلأهای قانونی، اعمال نفوذ اشخاص حقیقی و حقوقی، لابی‌ها و روابط با دستگاه‌های مختلف اداری و دولتی است که هنوز نتوانسته‌اند درخصوص حفظ و حمایت از اراضی و عرصه‌های ملی به یک مفاهمه و همکاری جامع برسند.

درواقع ما امروزه صرفاً با موضوع زمین‌خواری، تغییر کاربری و یا ساخت‌وسازهای غیر مجاز مواجه نیستیم و این روند به‌واسطه تأثیرات خود هرسال پیامدها و سویه‌های جدیدتری به خود گرفته و تشدید می‌شود و حتی این امکان را دارد که در حد و اندازه‌های یک مسئله ملی نیز سر برآورد.

# ۱۰ دلیل که باید شهرمان را تمیز نگه داریم

**سپهرغرب، گروه شهر: اگر بخواهیم که شهرمان در کل دنیا زبانزد باشد، چه ازنظر فرصت‌های شغلی، چه به لحاظ بالا بودن سواد جامعه، چه پایین آمدن نرخ فقر، چه نرخ مالیات، تسهیلات آموزشی و بهداشتی و سلامتی بهتر، باید شهرمان را تمیز نگه داریم.**

اگر خانه شما پُر از زباله و آشغال باشد و همه‌جا بوی بد بدهد، خوشتان می‌آید؟ فکر می‌کنید می‌توانید در چنین محیطی زندگی کنید؟ مطمئناً پاسخ همه به این سؤال منفی است. هیچ‌کس نمی‌تواند در محیطی پُر از آشغال و بوی بد زندگی کند؛ همه ما هرروز خانه، لباس، وسایل، اتومبیل و از همه مهم‌تر خودمان را تمیز می‌کنیم. وقتی نمی‌توانیم در یک خانه کثیف زندگی کنیم، چطور خواهیم توانست در یک شهر کثیف و نامرتب زندگی کنیم؟ این وظیفه ماست که شهرمان را تمیز نگه داریم، نه‌فقط برای خودمان، بلکه برای کسانی که جهت دیدن شهرمان می‌آیند و البته برای نسل‌های آینده.

### ۱۰ دلیل که باید شهرمان را تمیز نگه داریم

راه‌های زیادی برای تمیز نگه داشتن شهر وجود دارد؛ مثل انداختن زباله‌ها در سطل‌ها مخصوص زباله و نه در خیابان. وقتی می‌بینیم یک چیز پلاستیکی در خیابان انداخته شده است، آن را برداریم و در سطل مخصوص بیندازیم و از این کار خجالت نکشیم. باید به دیگران هم یاد بدهیم که همین کار را انجام دهند، نباید روی ساختمان‌ها و بناهای تاریخی چیزی بنویسیم، زباله‌های خانه را در سطل‌های مخصوص بریزیم و از این‌ها مهم‌تر دیگران را از مزایای تمیز نگه داشتن شهرمان مطلع کنیم.

این‌ها راه‌های تمیز نگه داشتن شهرمان هستند، اما ممکن است خیلی‌ها فکر کنند که چرا اصلاً باید این کار را انجام دهیم؟ تمیز نگه داشتن شهرمان فواید و مزایای بسیار زیادی دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### ۱. برای تقویت گردشگری

این یک واقعیت است که گردشگری موجب رشد اقتصادی کشور می‌شود و توریست‌ها تنها جذب شهرهایی می‌شوند که زیبا ساخته شده باشند و معماری تاریخی غنی داشته باشند. اگر شهرمان را کثیف نگه داریم و همه دور و اطراف شهر پُر از زباله باشد، تأثیری منفی بر فرهنگ و شیوه زندگی ما خواهد داشت و درنتیجه گردشگران به دیدن شهر ما نخواهند آمد؛ این می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی هم اثر بگذارد.

### ۲. برای ارتقای سلامت جامعه

همه ما می‌دانیم که داشتن بهداشت خوب به سالم ماندن کمک می‌کند و درنتیجه عمرمان را طولانی‌تر خواهد کرد. زباله‌ها و مواد زائد موجب جمع شدن حشرات، پشه و مگس می‌شوند و درنتیجه بیماری‌هایی مثل آبله‌مرغان، مالاریا، زردی و بسیاری بیماری‌های دیگر که در مکان‌های کثیف سرایت پیدا می‌کنند، بیشتر می‌شوند؛ بنابراین باید از جمع شدن زباله خودداری کنیم و شهرمان را تمیز نگه داریم تا از بروز بیماری‌های مسری این‌چنینی جلوگیری کنیم.

### ۳. برای حفظ و نگهداری محیط‌زیست

دور انداختن مواد و محصولات زائد مثل قوطی‌های پلاستیکی، پلاستیک‌های بسته‌بندی و چیزهای دیگر در پارک‌ها و سایر مکان‌های عمومی، از ارزش محیط کم می‌کند؛ این مواد پلاستیکی بازیافت نمی‌شوند و موجب اُفت کیفیت خاک هستند.

### ۴. برای نسل‌های آینده

ما به‌عنوان نسل حاضر همه‌چیز را در دستان خود داریم. اما اگر بخواهیم از همه‌چیز به آن گستردگی استفاده و اندوخته‌های طبیعی را تخریب کنیم و به بناها و آثار باستانی و همچنین مناظر طبیعی صدمه بزنیم، نسل‌های پس از ما دیگر هیچ تصوری از فرهنگ و تاریخ ما و هیچ منظره طبیعی خوبی برای لذت بردن نخواهند داشت؛ این‌طرف و آن‌طرف انداختن زباله‌ها محیط‌زیست را کثیف و آلوده می‌کند، بنابراین عاقلانه این است که شهرمان را تمیز نگه داریم تا نسل‌های بعدی هم بتوانند از زیبایی آن بهره ببرند.

### ۵. برای جذب شرکت‌های بین‌المللی

همه ما می‌دانیم که تأسیس شرکت‌های چندملیتی در یک شهر نه‌تنها موجب رشد اقتصادی آن شهر می‌شود، بلکه از جهات مختلفی فایده دارد؛ مالیات‌ها را پایین می‌آورد، هزینه تولید را کاهش می‌دهد (که در مقابل قیمت محصولات و کالاها را برای مشتریان پایین می‌آورد)، افراد با فن‌های جدیدتر آموزش می‌بینند که در درازمدت به آن‌ها کمک بسیاری می‌کند و فواید زیاد دیگر؛ تمیز نگه داشتن شهر کمک می‌کند تا شرکت‌های چندملیتی بیشتری برای سرمایه‌گذاری جذب شوند و درنتیجه همه ما می‌توانیم از فواید آن استفاده کنیم.

### ۶. برای فرصت‌های شغلی بیشتر

همان‌طور که در بالا اشاره شد، تمیز نگه داشتن شهر موجب جذب شرکت‌های بین‌المللی بیشتر می‌شود و هرچه شرکت‌های این‌چنینی بیشتر در شهر سرمایه‌گذاری کنند، فرصت‌های شغلی برای افراد آن شهر بیشتر خواهد شد. هرچه افراد بیشتر شاغل باشند، میزان فقر کاهش یافته و میزان باسوادی افزایش می‌یابد و شهر چه ازنظر اقتصادی و چه اجتماعی رشد خواهد کرد.

### ۷. برای بالاتر بردن درجه شهرمان در عرصه بین‌المللی

اگر بخواهیم که شهرمان در کل دنیا زبانزد باشد، چه ازنظر فرصت‌های شغلی، چه به لحاظ بالا بودن سواد جامعه، چه پایین آمدن نرخ فقر، چه نرخ مالیات، تسهیلات آموزشی و بهداشتی و سلامتی بهتر، باید شهرمان را تمیز نگه داریم؛ شهر ما فقط درصورتی در درجه‌بندی‌های جهانی پیشرفت می‌کند که ازنظر اقتصادی، اجتماعی و صنعتی رشد قابل توجهی داشته باشد. برای این منظور باید وارد عمل شویم و درخت بکاریم، از ریختن زباله در خیابان‌ها خودداری کنیم و در مورد فواید تمیز نگه داشتن شهر آگاهی عمومی ایجاد کنیم.

### ۸. برای ترویج خصوصیات اخلاقی خوب بین شهروندان

اگر شهرمان را تمیز نگه داریم، حس شهروندی در ما ایجاد خواهد کرد که کمکمان می‌کند در زندگی‌هایمان هم دستاورد بزرگی داشته باشیم. این کار به ما یاد می‌دهد همیشه فضای اطرافمان را تمیز نگه داریم و این خصیصه اخلاقی می‌تواند رئیسمان را در محل کار تحت تأثیر قرار دهد؛ همچنین کمک می‌کند افرادی مسئولیت‌پذیر، تمیز، مهربان و فروتن شویم و از این‌ها مهم‌تر ویژگی مدیریت را در ما تقویت می‌کند و باعث می‌شود در زندگی موفقیت بزرگ‌تری به‌دست آوریم.

### ۹. برای حفظ آثار باستانی

نوشتن مطالب روی آثار باستانی و ساختمان‌های قدیمی و ریختن زباله در این مکان‌های تاریخی نه‌تنها باعث از میان رفتن تدریجی بناها و فضاهای مذکور می‌شود، بلکه فرهنگمان را هم نابود می‌کند. این بناها نشان‌دهنده فرهنگ ما هستند و این کار ما یعنی می‌خواهیم فرهنگمان را نابود کنیم؛ به همین دلیل خیلی مهم است که برای حفظ و نگهداری این آثار ارزشمند، شهرمان را تمیز نگه داریم.

### ۱۰. برای ایجاد فضای بیشتر

همه ما می‌دانیم که انباشته شدن زباله و مواد زائد کنار جاده‌ها و خیابان‌ها، فضای بسیار زیادی می‌گیرد و باعث می‌شود شهروندان نتوانند از آن فضاها برای کارهایی سازنده استفاده کنند. این فضایی که انباشته از آشغال شده است را می‌توان برای پارک ماشین یا ساخت‌وساز استفاده کرد. اما چون مردم آشغال‌هایشان را در این فضاها می‌ریزند، آن فضا بلااستفاده و بی‌فایده می‌ماند و فقط خانه پشه و مگس و سایر حشرات موزی می‌شود که بیماری‌ها را منتقل می‌کنند؛ بنابراین اگر می‌خواهیم شهرمان فضای پارک ماشین بیشتری داشته و خیابان‌هایش پهن‌تر و تمیزتر باشد، باید آن را تمیز نگه داریم.

# شهرنشینی و تغییر شیوه زندگی

**سپهرغرب، گروه شهر: شهر یکی از مفاهیمی است که از دل تمدن بیرون می‌آید؛ هر کجا تمدن پدید آمد، شهر بساطش را به سرعت باد پهن کرد.**

هر کجا تمدن پدید آمد، شهر بساطش را به سرعت باد پهن کرد؛ از این به بعد شهر محل کسب‌وکار شد و انسان هیچ جایی دیگر برای این امر مهم و حیاتی نیافت. شهر محل گرفتن تصمیمات مهم اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شد، امکان نداشت بدون شهر اقتصاد، سیاست و اجتماع این مقدار رشد کند؛ شهر آهن‌ربایی است که خواسته و ناخواسته انسان را جذب خودش می‌کند و به‌راستی جدا شدن از آن امکان‌پذیر نیست.

بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند برای یافتن اینکه چرا شهر عاملی برتر شد، باید سراغ یک‌سری مفاهیم و کارکردهایی رفت که فقط در شهر یافت‌شدنی است؛ مانند تمرکز و تراکم صنعتی. ازاین‌رو فکرمی‌کنند هر شهری که تمرکز و تراکم صنعتی‌اش بیشتر باشد، مسلماً جمعیت و برتری‌اش نسبت به روستا و حتی سایر شهرها بیشتر است. دلیل این مهم هم بسیار روشن بوده، صنعت تعداد بیشتری از انسان‌هایی را که طالب کار هستند، مشغول می‌کند. البته مسئله کار و شهر در مفاهیم مختلفی می‌تواند تأثیرگذار باشد.

به‌واقع عقلانی نیست که شهرنشینی را صرفاً جذب افراد گوناگون و زندگی در یک منطقه خاص تعریف کنیم. البته شهرنشینی عوامل مؤثری دارد که بیان آن‌ها در این مقاله کوتاه امکان‌پذیر نیست؛ اما در این شکی نیست که شهرنشینی فقط تغییر محیط زندگی از روستا به شهر نیست، بلکه تغییر شیوه زندگی، شیوه کسب‌وکار و بسیاری موارد مهم دیگر است. شهرنشینی به تعداد جمعیت نیست، به تغییر سبک فکری و نحوه سخن گفتن و احترام متقابل به حقوق افراد است. به نظر این پرسش می‌تواند عمق تفاوت زندگی شهرنشینی و روستایی را بیان کند و معنایی اساسی به شهرنشینی دهد؛ آیا باید شیوه زندگی در شهر را با توجه به ازدحام و تراکم بسیار جمعیتی، با زندگی در روستایی با تراکم حداقلی جمعیت و آرامش در آن، برابر دانست؟ پس تعداد جمعیت عاملی ثانوی در تعریف شهر بوده و اصل تعریف مربوط به تغییر در شیوه زندگی، تفکر، کسب‌وکار و سخن گفتن است.

حتی بین شهرها از منظر سنخ‌شناسی تفاوت‌های ماهوی وجود دارد. بیان این تفاوت‌ها در یک تعریف دقیق و علمی از شهرنشینی امکان‌پذیر نیست؛ چراکه یک شهر صنعتی به‌طور قطع از لحاظ اجتماعی با یک شهر معدنی یا شهری که در آن شغل اصلی ماهیگیری است و یا یک شهر دانشگاهی و شهری که نام پایتخت را بر خود دارد، تفاوت‌های اساسی دارد. شهری که یک صنعت دارد، با شهری که چند صنعت دارد، در خصوصیات اجتماعی برابر نیست.

حتی شهروندان مرکز، شمال و حومه و شهرک‌های اقماری یک کلان‌شهر نیز در بسیاری موارد باهم تفاوت دارند. یک شهر قدیمی با یک شهر جدید نیز تفاوت دارد، تا این لحظه هیچ جامعه‌شناسی نتوانسته تعریفی از شهر ارائه کند که تمامی موارد فوق را در بر گیرد؛ مسئله اصلی جامعه‌شناسی شهری، کشف کنش‌ها و سازمان‌های اجتماعی خاصی است که در محل سکونت نسبتاً دائمی متراکم افرادی ناهمگون دیده می‌شود. از طرف دیگر باید درنظر داشت که شهرنشینی و مدنیت در مکان‌هایی که شرایط بروز آن فراهم‌تر است، نمایان‌تر خواهد بود؛ بنابراین هرچه جمعیت متراکم‌تر و جامعه ناهمگون‌تر باشد، خصوصیات مربوط به شهروندی شدیدتر و بارزتر خواهد بود.

باید توجه داشت که دلیل پذیرش بسیاری از نهادها و کنش‌ها در جامعه چیزی است به غیر از آنچه در اصل به‌خاطرش به‌وجود آمده‌اند، لیکن این نهادها بازهم به دلایلی به حیات خود ادامه می‌دهند؛ به همین منوال دلایل بقای شیوه زندگی شهری نیز با علل اصلی وجودی آن مغایر و بیگانه است. باید انتظار داشت که صفات مشخصه فردی، حرفه‌ای، زندگی فرهنگی و افکار شهروندان خیلی متنوع‌تر از جوامع روستایی باشد. این تنوعات و تفاوت‌ها در شهر سبب تفکیک مکانی افراد برحسب نژاد، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، سلیقه‌ها و ترجیحات متفاوت می‌شود؛ امری است که در همان آغاز می‌توان بدان پی برد. قیدهای خویشاوندی و رسوم همسایگی و سایر عواطفی که ممکن است در میان افراد یک اجتماع قومی وجود داشته باشد، در شهر به‌دلیل پشتوانه‌های گوناگون افراد وجود ندارد و یا در بهترین حالت خود بسیار ضعیف است.

افزایش افراد در کنش‌های متقابل و در شرایطی که تماس آن‌ها در جامعیت شخصیتشان ناممکن است، سبب تفکیک و جزئی شدن روابط انسان‌ها می‌شود؛ چیزی که گاهی توسط پژوهشگرانی که زندگی روانی شهر را مطالعه می‌کنند، به‌عنوان توجیه شخصیت‌های روان‌پریش شهری به‌کار می‌رود. این به آن معنی نیست که ساکنان شهرها تعداد آشنایی‌های کمتری نسبت به روستاییان دارند، درست بالعکس منظور این است که ساکنان شهرها نسبت به تعداد افرادی که در طول روز با آن‌ها برخورد دارند، تعداد کمتری را می‌شناسند و از این تعداد باز با عده بسیار کمتری رابطه عمیق آشنایی دارند. وقوع کنش‌های متقابل بین گروه وسیعی از افراد با شخصیت‌های گوناگون در یک محیط شهری بستگی‌های قومی را به‌تدریج رو به تحلیل برده و ساخت طبقاتی پیچیده‌تری را موجب می‌شود.

به این ترتیب نسبت به جوامع متجانس پیشین، اقشار اجتماعی بسیار متنوع‌تری به‌وجود می‌آیند. امکانات زیاد تحرک فردی و ازدیاد تماس‌ها و رابطه‌ها باعث می‌شود که فرد در پایگاه‌های متغیری از یک اجتماع نامتجانس قرار گیرد و بدین‌ترتیب هرکس به‌تدریج عدم ثبات و نبود امنیت را به‌عنوان هنجارهایی همه‌جایی می‌داند. هرچند شهر از طریق گرد آمدن انواع مختلف افراد برای انجام کارهای گوناگون به‌وجود آمده و موجب افزایش فردیت افراد (به‌دلیل تشویق رقابت، نوآوری و کارآیی) می‌شود و به همین خاطر است که شهر جمعیت فوق‌العاده گوناگونی را در خود جای می‌دهد، اما شخصیت افراد را نیز از آن‌ها می‌گیرد و هم‌تراز و یکسان جلوه می‌دهد. هرگاه تعداد زیادی افراد در یک‌جا گرد آیند، روند تشخص‌زدایی نیز آغاز می‌شود.

می‌توان شهرنشینی را به‌عنوان شیوه خاصی از زندگی به طریق تجربی از سه دیدگاه مرتبط مورد بررسی قرار داد: ۱- به‌عنوان یک ساخت فیزیکی دارای جمعیت، فناوری و نظم محیطی خاص.۲- به‌عنوان یک نظام اجتماعی خاص دارای ساخت اجتماعی ویژه و تعدادی نهاد و نوع خاصی از روابط اجتماعی. ۳- به‌عنوان یک دسته گرایش‌ها و ایده‌ها و منظومه‌ای از شخصیت‌ها که در رفتار جمعی خاصی شرکت دارند و زیر نفوذ سازوکارهای خاص کنترل اجتماعی قرار دارند.

ازنظر جامعه‌شناسی خصوصیات متمایز شیوه زندگی شهری معمولاً به جایگزین شدن روابط اولیه به‌جای روابط ثانویه، ضعیف شدن قیود خویشاوندی، کم‌اهمیت شدن جنبه اجتماعی خانواده، از بین رفتن همسایگی و درنهایت سست شدن انسجام و یگانگی زندگی سنتی می‌انجامد؛ تمامی این پدیده‌ها با مراجعه به موارد عینی قابل اثبات‌اند.